

الگوی فقهی- تربیتی صلاحیت حرفه‌ای معلمی: واکاوی مؤلفه‌های آداب معلمی در متون اسلامی

دکتر سجاد عسکری‌متین^{۱*} © رضا منتظری‌مقدم^۲

چکیده:

پژوهش پیش‌رو با هدف متن‌پژوهی نظام‌مند و براساس روش فراترکیب (متاسنتز) با نرم‌افزار تحلیل کیفی MAXQDA انجام شده است تا بتواند به بازخوانی و ارائه الگویی جامع از صلاحیت حرفه‌ای معلمی پدیدار در میراث ارزش‌مند متون تربیتی- فقهی اسلام بپردازد. داده‌های پژوهش دربرگیرنده ۳۰ کتاب برگزیده حدیثی و تربیتی از صدر کتابت متون اسلامی (۲۵۵ق) تا دوره معاصر (۱۳۲۸ق) و متشکل از آیات، روایات و نظر اندیشمندان است. براساس سستانه پژوهش، ۴۹۴ کد از روایات، ۱۹۵۴ کد از نظر اندیشمندان و در مجموع ۲۴۴۸ کد از جملگی متون و بر پایه تحلیل یافته‌ها، ساخت نهایی الگو در چهار ساحت، ۱۵ حوزه محوری و ۹۱ شاخص صلاحیت با نام «الگوی فقهی- تربیتی صلاحیت حرفه‌ای معلمی (المفید)» به‌دست آمده است. ساحت‌های چهارگانه الگوی المفید عبارت‌اند از: آداب معلمی در شبکه دانشی (آداب‌المعلم فی علمه)، آداب معلمی در حوزه آموزش (آداب‌المعلم فی تعلیمه)، آداب معلمی در باب آموزندگان (آداب‌المعلم مع متعلمه) و آداب معلمی در باب توسعه فردی (آداب‌المعلم فی نفسه). گفتنی است که این الگو، ناظر بر الگوی تربیت معلم در نظام ارزشی اسلام، در آمدی بر مسیر صلاحیت‌پژوهی کیفی در میان منابع دین مبین اسلام و همچنین الگویی اصیل برای عملیاتی‌شدن در امر تربیت معلم آگاه (عالِم) و کارگزار (عامل) است.

کلیدواژگان: صلاحیت حرفه‌ای، فراترکیب، ویژگی‌های معلم، الگوی دینی، الگوی المفید

☑ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱

☑ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۷

۱. استادیار گروه علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). Email: matin@cfu.ac.ir

۲. طلبه سطح چهار، مدرس حوزه علمیه قم، قم، ایران.

مقدمه

در سنت تعلیم و تربیت اسلامی، معلمی همواره جایگاهی برجسته داشته است، به گونه‌ای که چهارده سده پیش، نبی اکرم (ص) آداب تعلیم و تعلم را بسیار مهم برشمرده و خود را معلم و هدفش را تعلیم دانسته است.^۱ از این رو است که می‌توان گفت در امر تعلیم و تعلم، معلم از گران‌ترین ارکان است. او بر روح و قلب متعلم اثر می‌گذارد، دانش، نگرش و منش به وی می‌بخشد و می‌تواند الگویی برای شاگردان باشد. بی‌تردید چنین نقشی در فرایند تعلیم و تربیت اسلامی، بی‌بدیل و ارزشمند است، از این رو معلم، باید در مقام زیست فردی صالح، در زندگی حرفه‌ای اصلح و به بیان دیگر از شایسته‌ترین مردمان باشد.

حیرت‌انگیز نیست که امروزه این آموزه و حیانی بیان‌شده در ادبیات اسلام، در صدر مطالبات اندیشمندان و سیاست‌گذاران داخلی و خارجی نیز قرار گرفته است. سازمان ملل متحد در چندی از بیانیه‌های منتشر شده، یکی از مواد اعلامیه حقوق بشر را برخورداری کودکان از معلم کیفی برمی‌شمارد (سازمان بین‌المللی کار و یونسکو، ۲۰۱۵). بازتاب چنین اندیشه‌ای، در اسناد بالادستی کشور نیز هویدا است؛ مانند تکیه و تأکید این اسناد بر تربیت معلمان بانگیزه، کارآمد، متدین، خلاق و اثربخش (سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش، ۱۳۹۲). به این ترتیب خرد جمعی دانشمندان و دغدغه‌مندان این حوزه، گویای این حقیقت است که چشم‌انداز نظام کیفی تربیت معلم و دستیابی حداکثری به آن، انگاره‌ای است که نیازمند کوشش همگان، به‌ویژه معلمان، در جامعه تعلیم و تربیت است. افزون‌براین، سیری در آثار دانشمندان مسلمان برای رصد آرای قدما درباره معلم، دیده عبرت‌آموز را به شگفتی وامی‌دارد. در کتابهای تعلیم و تربیت اسلامی، «معلم» ضامن پرستش الهی و پیمودن مسیر تکامل اخروی است.

گرچه اهمیت مقوله معلمی بر کسی پوشیده نیست، اما شگفت که کاوش در ژرفای آموزه‌های دینی و اسلامی در این حوزه بسیار محدود است و در آنها بیشتر به برشماری اندکی از سجایای اخلاقی و رفتاری معلم پرداخته شده که دین به آنها پسندیده کرده است. از این رو کمتر نگارشی را می‌توان یافت که به ابعاد حقوقی، فقهی و تربیتی حرفه معلمی به‌طور روشنمند و عمیق پرداخته باشد. همچنین، پرداخت تاریخی و مروری بر آرای تربیت مربی اسلامی نیز از نگاه بسیاری مغفول مانده است؛ متأسفانه گویی که در تاریخ اسلام، نه تاریخچه تعلیم و تربیت وجود دارد و نه مربیان در خور یاد! گواه این سخن، نگاه یک‌جانبه، ناآگاهانه و گاه متعصبانه شرق‌پژوهان در باب تعلیم و تربیت در جهان اسلام است. این در حالی

۱. در روایتی که در منابع متعدد اهل سنت نقل شده است، پیامبر اکرم (ص) هنگامی که وارد مسجد شدند، دو گروه را مشاهده کردند: گروهی مشغول عبادت و گروهی سرگرم مباحثه علمی. حضرت در آن هنگام فرمودند که «إِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا»، یعنی من معلم مبعوث شده‌ام. سپس رفتند و همنشین گروهی شدند که سرگرم کار علمی بودند (ابن ماجه، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۳؛ جصاص، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۶۷؛ طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۱۳، ص ۵۱؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۸۸؛ طیلانی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۱).

است که ضرورت مراجعه به نگاه فقهی در حوزه تعلیم و تعلم، به‌ویژه در عصر بارش مضامین نوظهور و متناقض در امر تعلیم و تربیت اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

در این نگاره، در حد توان در پی دو هدف بنیادین، بر آن شدیم نگاهی دقیق و موشکافانه به این حوزه گران‌سنگ بیندازیم؛ نخست، همسو با انگاره‌های مطرح در حوزه تربیت معلم، الگوی فقهی - تربیتی^۱ برای رصد زوایای نظری و عملی حرفه معلمی در تراز نظام آموزش اسلامی ارائه کنیم. دیگر آنکه، با بررسی دقیق متون فقهی - تربیتی اسلامی، تحلیلی زمینه‌ای از مضامین منعکس در ابعاد فقهی - حقوقی را به‌منزله الگوی صلاحیتهای حرفه‌ای معلمان به‌دست آوریم. به همین منظور پرسشهای مطرح‌شده پژوهش عبارت‌اند از:

۱. در راه تشخیص و احصای شاخصهای صلاحیت حرفه‌ای معلمان، منابع و مآخذ گرانبهای

فقهی و تربیتی برای رجوع و پژوهش کدام‌اند؟

۲. مؤلفه‌های (اصلی و فرعی) الگوی فقهی صلاحیتهای حرفه‌ای معلمان کدام‌اند؟

پیشینه پژوهش

جمله متون غربی، سرآغاز تفکر در حوزه آداب معلمی را با یاد فلاسفه کلاسیک یونان مانند سقراط، افلاطون و ارسطو (معلم اول) برمی‌شمارند (دنیلسون و مک‌گریل^۲، ۲۰۰۰؛ شینکفیلد و استافل‌بیم^۳، ۲۰۱۲). در میان میراث به‌جامانده از کتابهای اسلامی، سرآغاز را می‌توان به ابوعثمان عمرو بن بحر (۱۶۰ ق - ۲۵۵ ق) مشهور به جاحظ ادیب خوش‌سخن معتزلی (شهرستانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۵) نگارنده «رسائل الادبیه» و سپس به محمد بن سحنون تنوخی قیروانی^۴ (۲۰۲ ق - ۲۵۶ ق) ملقب به ابن‌سحنون فقیه مالکی (ابن خلکان، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۸۰)، نگارنده «آداب المعلمین» نسبت داد، زیرا هر دو از نخستین نگارانگان حوزه تعلیم و تربیت، به‌شمار می‌آیند.

گفتنی است که با توجه به برخی کاستیها در بیان روشن سیر تکاملی تعلیم و تربیت اسلامی، بر آن شدیم تا مسیر تطور این حوزه را براساس کتابهای پایش‌شده از نظر بگذرانیم. جدول شماره ۱، سیر تطور تعلیم و تربیت اسلامی از صدر اسلام تا عصر معاصر^۵ را، در چهار دوره زمانی «تدوین»، «تکمیل»، «تبیین» و «رکود» نشان می‌دهد.

۱. مراد از فقه در اینجا، معنای لغوی آن یعنی فهم و تعمق است.

2. Danielson & McGreal

3. Shinkfield & Stufflebeam

۴. از بزرگ‌ترین شهرهای مغرب (تونس کنونی) است که ملوک در آنجا می‌زیسته است (شمس‌الدین آملی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۴۹۱).

۵. چرایی پایش کتب از قرن سه تا قرن یازده، در بخش یافته‌های پژوهش عنوان می‌شود.

جدول ۱. سیر تطور کتابهای تعلیم و تربیت اسلامی

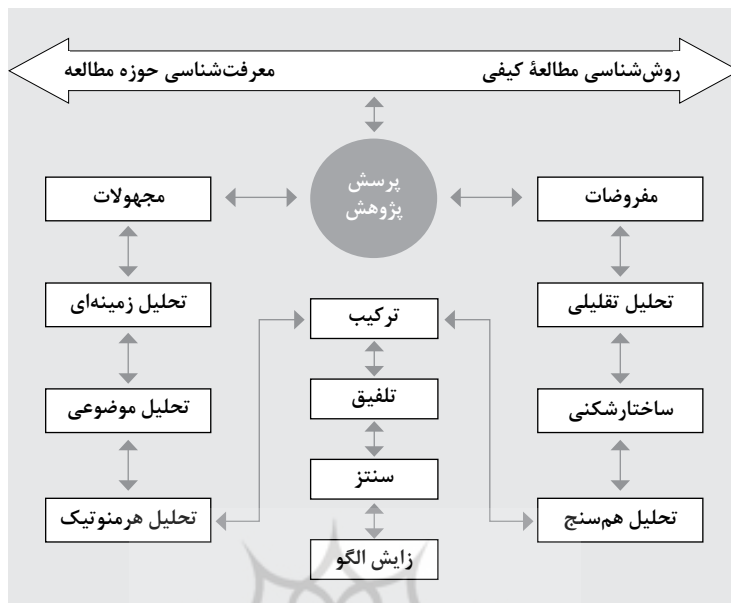
دوره	مختصات دوره
دوره تدوین (اواسط قرن ۳ تا اواسط قرن ۴)	● نخستین کتابهای به‌جامانده در این حوزه، با رویکرد حدیثی که سبب مدون‌سازی و حفظ روایات شده و تأثیری بی‌بدیل بر مطالعات اندیشمندان بعد از خود گذاشته است. در این دوره، برای نخستین بار سه کتاب تخصصی «آداب‌المعلمین»، «اخلاق‌العلماء» و «محدث‌الفاضل» در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی نگارش شده است.
دوره تکمیل (نیمه دوم قرن ۴ تا نیمه اول قرن ۷)	● به نظر می‌رسد در این دوره با توجه به کتابهای معتبر پیشینیان، احادیث و روایات از قلم افتاده اضافه و تکمیل شده و نیز، نگاره‌ها، از نظم نگارشی کامل‌تر و منظم‌تری برخوردار شده‌اند. در این دوره، چهار کتاب تخصصی «الرسالة المفصلة»، «الجامع‌الأخلاق»، «جامع بیان‌العلم و آداب‌الإماماء» حوزه تعلیم و تربیت اسلامی‌اند.
دوره تبیین (نیمه دوم قرن ۷ تا نیمه دوم قرن ۱۰)	● در این عصر آنچه بیش‌ازپیش مشاهده می‌شود، تلاش برخی از آثار در جهت تبیین و تشریح کتابهای شاخص گذشتگان است؛ از این رو آثاری با نام شرح در این دوره دیده می‌شود. همچنین در چندی از نگاره‌ها، گردآوری کامل‌تر و تخصصی‌تر در ابعاد مختلف تعلیم و تربیت به‌ویژه آداب کلاس‌داری مشهود است. در این دوره، سه کتاب ارزشمند «منیة‌المريد»، «الدر‌النضید» و «المعید» نگارش و نشر شده است.
دوره رکود (نیمه اول قرن ۱۱ تا ۱۲۲۸)	● در این دوره کتاب تخصصی جدیدی یافت نشد و از دیگر سو، برخی از نگارندگان صرفاً به اختصاص بخش کوتاه یا تک فصلی مرتبط با حوزه تعلیم و تربیت اسلامی بسنده کرده‌اند.

گفتنی است که در خوانش و نگارش کتابهای تعلیم و تربیت، می‌توان دو رویکرد کلی به آداب معلمی را مشاهده کرد. نخست، رویکرد حدیثی و اخلاقی: در این رویکرد مسائل و راه‌حلهای آن، مبتنی بر آیات و احادیث وارد شده و در صدد بیان، تبیین و تبویب روایات دنبال می‌شود. دوم، رویکرد فقهی: در این رویکرد نگارنده با تکیه بر آیات و روایات، از بُعد فقهی و در قالب احکام پنجگانه به موضوعات پرداخته است. از این رو، این دو رویکرد به مسائل تعلیم و تربیت، می‌تواند از بااهمیت‌ترین و اصلی‌ترین رویکردها در شاخه‌های اسلامی معلم باشد.

■ روش پژوهش

با توجه به ماهیت پژوهش و سنت پژوهش کیفی، روش «فرا ترکیب»^۱ را برگزیدیم که برگرفته از جزئیات روش‌شناختی شرایبر^۲ و همکاران (۱۹۹۷) و ساوین - بادن و میجر^۳ (۲۰۱۰) و مناسب این جستار بود (شکل شماره ۱).

1. Metasynthesis
2. Schreiber
3. Savin-Baden & Major



شکل ۱. ترسیم ساز و کار روش فراترکیب (ناظر بر زایش الگوی نظری)

- **گام نخست، تعیین چارچوبها، شامل: الف) تعیین گستره و حدود پرسش پژوهش؛ ب) گزینش رویکرد و روش فراترکیب.** این مهم از راه مطالعه و تتبع در روش‌شناسی پژوهش، بررسی و بینش معرفت‌شناختی در حوزه یادشده به‌دست آمده است.
- **گام دوم، انتخاب مآخذ و منابع پژوهش:** در این گام فهرستی گویا از منابع قابل دسترسی و وثوق آماده شده است.
- **گام سوم، تبیین، ترکیب و تحلیل:** از آنجاکه اکثر متون تحلیل‌شده، به زبان عربی نگاشته شده‌اند و به‌دلیل رعایت اعتبار تحلیل (کدگذاری آزاد و موضوعی، تحلیل تقلیلی، تحلیل محورهای موضوعی، تحلیل هم‌سنج و تحلیل هرمنوتیک)، در این گام تبیین و ترکیب و تحلیل به زبان عربی انجام شده است. افزون‌براین برای کدگذاری و فهم روایات نیز، از روش «تحلیل محتوای عرفی»^۱ به کار گرفته شده است. پژوهشگر از به‌کارگرفتن مقوله‌های پیش‌پنداشته^۲ خودداری و تلاش کرده است تا مقوله‌ها از داده‌ها به‌دست آیند، از این‌رو کدها همزمان با تحلیل و از دل داده‌ها مشتق شده‌اند (هسیه و شانون^۳، ۲۰۰۵). در این مرحله شایسته است که تحلیل منابع دو بار، هر بار از طریق «استقرا» و «استنتاج» پیموده شود.

1. Conventional content analysis
2. Preconceived categories
3. Hsieh & Shannon

● **گام چهارم، ترکیب دستاوردهای گام سوم:** در این گام، با تکیه به روش «فراپوشناختی» در سه مرحله به فراتحلیل داده‌های گام سوم پرداخته می‌شود: الف) ترکیب که تحلیل مقابله‌ای دو مرحله گام سوم (استقرا و استنتاج) شامل گردآوری موضوعات محوری (همخوان) و چالشی (ناهمگون) در هر مرحله بود؛ ب) تلفیق که تحلیل موضوعات چالشی شامل همگون‌سازی موارد ناهمخوان و متضاد پدیدار در مرحله گذشته (ترکیب) بود؛ ج) فراتحلیل که پدیدارسازی گذرگاهها و ردپاهای نظری برآمده از برآیند موضوعات پیدا و پنهان ناظر بر زایش الگو از منابع پژوهش شده بود.

■ یافته‌های پژوهش

پژوهشگر با مطالعه فراترکیب، نخست ویژگیهای معلم را که از مهم‌ترین ارکان تعلیم است، در متون اسلامی کدگذاری و استخراج کرده و الگوی ذهنی تک‌تک اندیشمندان این حوزه را شناسایی و با ترکیب همه آنها، الگویی جامع و اصیل در این زمینه ارائه کرده است. برای این منظور پس از امکان‌سنجی روش پژوهش یادشده در مطالعات دینی، به بررسی مفاهیم کلیدی مربوط به این موضوع پرداخته شده است. شایان توجه است که از واژه معلم در متون اسلامی به‌ندرت استفاده شده و از آن با تعبیر عالم یاد شده است. از این رو برای پدیدارشدن نظر دانشمندان اسلام، لازم بود که گسترش و کاهش چارچوب مفهومی مدنظر قرار بگیرد.

پس از پیمودن گام اول، نوبت به گام دوم یعنی انتخاب منابع پژوهش رسید. در این گام با تتبع گسترده در منابع شیعی و سنی، ۳۰ کتاب برای تحلیل برگزیده شد. کدگذاری ابتدا با اکسل، سپس بخش معظم آن با نرم‌افزار تحلیل کیفی MAXQDA V.2020 به انجام رسید. برای مشاهده تفصیلی این کتابها، به جدول شماره ۲ مراجعه شود.

جدول ۲. منابع کدگذاری شده			
دوره‌ها	کتابهای تحلیل شده	نویسندگان	مشخصات
دوره تنوین	۱. رسائل الجاحظ؛ الرسائل الأدبية	جاحظ (۲۵۵ ق)	(۲۰۰۲)
	۲. المسند الجامع	دارمی (۲۵۵ ق)	(۱۴۳۴)
	۳. صحيح البخاری	بخاری (۲۵۶ ق)	(۱۴۲۳)
	۴. آداب المعلمین	ابن سحنون (۲۵۶ ق)	(۱۹۸۱)
	۵. الکافی	کلینی (۳۲۹ ق)	(۱۳۶۷)
	۶. المُحدَّث الفاصل بين الروای والواعی	رامهرمزی (۳۶۰ ق)	(۱۴۰۴)
	۷. أخلاق العلماء	أجری بغدادی (۳۶۰ ق)	(۱۴۲۸)

جدول ۲. (ادامه)

دوره‌ها	کتابهای تحلیل شده	نویسندگان	مشخصات
دوره تکمیل	۸. الرسالة المفصلة	قابسی (۴۰۳ ق)	(۱۹۸۶)
	۹. أدب الدين والدنيا	ماوردی (۴۵۰ ق)	(۱۴۳۴)
	۱۰. المدخل إلى السنن الكبرى	بیهقی (۴۵۸ ق)	(بی تا)
	۱۱. جامع بیان العلم وفضله	ابن عبدالبر (۴۶۳ ق)	(۱۹۹۴)
	۱۲. الجامع لأخلاق الراوی وآداب السامع	خطیب بغدادی (۴۶۳ ق)	(۱۴۰۳)
	۱۳. إقتضاء العلم والعمل	خطیب بغدادی (۴۶۳ ق)	(۱۴۰۴)
	۱۴. إحياء علوم الدين	غزالی (۵۰۵ ق)	(بی تا)
	۱۵. أدب الإماء والإستماء	سمعی (۵۶۲ ق)	(۱۴۰۹)
دوره تبیین	۱۶. مقدمة ابن الصلاح	ابن صلاح (۶۴۳ ق)	(بی تا)
	۱۷. المجموع فی شرح المذهب	نوی (۶۷۶ ق)	(بی تا)
	۱۸. الإقتراح فی بیان الإصطلاح	ابن دقیق (۷۰۲ ق)	(بی تا)
	۱۹. تذكرة السامع والمتكلم	ابن جماعه (۷۳۳ ق)	(۲۰۱۲)
	۲۰. شرح التبصرة والتذكرة	عراقی (۸۰۶ ق)	(۱۴۲۳)
	۲۱. الفكر التربوی عند ابن خلدون وإبن الأرزق	شمس‌الدین	(۱۴۰۴)
	۲۲. فتح المغیث بشرح ألفیه الحدیث للعراقی	سخاوی (۹۰۲ ق)	(۱۴۲۴)
	۲۳. تدريب الراوی فی شرح تقریب النوای	سیوطی (۹۱۱ ق)	(۱۴۱۵)
	۲۴. منیه المرید فی أدب المفید والمستفید	شهید ثانی (۹۶۶ ق)	(۱۳۰۱)
	۲۵. الدرّ النضید فی أدب المفید والمستفید	غزّی (۹۸۴ ق)	(۱۴۳۰)
دوره رکود	۲۶. المعید فی أدب المفید والمستفید	علّموّی (۹۸۱ ق)	(۱۳۴۹)
	۲۷. معالم الدین وملاذ المجتهدین	ابن شهید ثانی (۱۰۱۱ ق)	(۱۴۱۳)
	۲۸. لوامع صاحبقرانی	مجلسی (۱۰۷۰ ق)	(۱۳۷۲)
	۲۹. النخبة فی الحکمة العملیة	فیض کاشانی (۱۰۹۱ ق)	(۱۴۱۸)
	۳۰. النور الساطع فی الفقه النافع	کاشف‌الغطاء (۱۲۲۸ ق)	(۱۳۸۱)

پس از پایان گام اول و دوم، در گام سوم کدگذاری اجرا و نتیجه آن شد که در کدگذاری (اولیه) ۳۶ کتاب و ۲۸۶۸ کد به دست آمد که در غربال (کدگذاری ثانویه)، این رقم به ۳۰ کتاب و ۲۳۱۳ کد کاهش یافت. براساس یافته‌ها ۴۹۴ کد روایات، ۱۹۵۴ کد نظر کارشناسان و در مجموع ۲۴۴۸ کد از متون به دست آمده است.^۱

گام چهارم پژوهش، کاوش در الگوهای متون کهن بود. ضمن بررسی متون روایی، الگوهای دانشمندان نیز بررسی شدند. چهار ملاک اصلی عبارت بودند از: «توازن ساختاری»، «سادگی»، «اصالت» و «عملیاتی بودن».

آنچه در همه گامهای پژوهش حاضر سبب پویایی و پایایی آن شده است، همفکری با خبرگان و برگزاری جلسات تفصیلی و مستمر با نویسندگان بود که برآیند آن، دستیابی به الگویی جامع برای ویژگیهای معلم با نام الگوی فقهی - تربیتی صلاحیت حرفه‌ای معلم «المفید» بود.^۲

◎ الگوی فقهی - تربیتی صلاحیت حرفه‌ای معلم (المفید)

در این الگو، چهار ساحت اصلی به منزله چهار بُعد مدل تشکیل یافته است که عبارت‌اند از: آداب‌المعلم فی علمه (ویژگیهای معلم در باب علم)، آداب‌المعلم فی تعلیمه (ویژگیهای معلم در باب آموزش)، آداب‌المعلم مع متعلمه (ویژگیهای معلم در برابر شاگردان) و آداب‌المعلم فی نفسه (آداب معلم در برابر خودش).^۳

جدول ۳. الگوی صلاحیت حرفه‌ای معلم (المفید)

آداب‌المعلم فی علمه				
حوزه	شماره	صلاحیت	توضیحات	تعداد منابع تعداد کدها نسبت به کل
۱. طلب العلم	۱/۱	السؤال	● «پرسشگری»: معلم باید به منظور کسب دانش توجه کافی به پرسشگری داشته باشد که از عوامل کلیدی دستیابی به علم برشمرده شده است. همچنین عناصر پیرامونی آن همانند شرم‌نداشتن از پرسش، تأمل کردن پیش از پرسش و اصلاح کردن نیت پرسش را مراعات کند.	۸ ۳۷ ۰/۲۶

۱. سبب تفاوت ۱۲۵ عددی کدها در مجموع کدگذاری ثانویه (۲۳۱۳ کد) و تعداد تجمعی کدها (۲۴۴۸ کد)، در پالایش نهایی است که پس از اتمام کدگذاریها و هنگام نگارش مقاله در نظر گرفته شد.

۲. نام این نظریه برگرفته از نام دو کتاب مهم و تأثیرگذار در فرهنگ تعلیم و تعلم اسلامی با نامهای منیة المرید فی أدب المفید والمستفید نوشته شهیدتانی (۹۶۶ق) و الذرّ النضید فی أدب المفید والمستفید نوشته غزّی (۹۸۴ق) است که معلم را نه فقط آموزگار، بلکه مفید (فایده‌بخش) خوانده است.

۳. بخش «آداب‌المعلم فی نفسه» شامل اطلاعاتی گسترده از صفات اخلاقی معلم است که به دلیل حجم انبوه آن، تنها پربسامدترین آنها در اینجا عنوان شده است.

۴. شامل مجموعه اموری برای یافتن، یادگرفتن (فهم‌العلم) و به یاد سپردن (حفظ‌العلم) دانش است..

جدول ۳. (ادامه)

آداب‌المعلم فی علمه					
حوزه	شماره	صلاحیت	توضیحات	تعداد منابع	تعداد کدها
۱. طلب العلم	۱/۲	مذاکره‌العلم	● «مرور کردن»: معلم باید به بازخوانی مطالب بپردازد که سبب تهییج محتوا و جلوگیری از فراموشی مطالب می‌شود.	۱۰	۲۷
	۱/۳	فهم‌العلم	● «فهمیدن علم»: معلم باید تلاش کند که به‌خوبی محتوای علمی را بفهمد و تا فهم حاصل نشده است، از آن عبور نکند.	۵	۱۵
	۱/۴	الاجتهاد	● «کوشش علمی»: معلم باید شب‌زنده‌داری و تلاش کند برای اشتغال به مطالعه و اندیشیدن و حفظ کردن و دیگر اموری که منجر به دانش‌افزایی می‌شود.	۴	۹
	۱/۵	الاشتغال بالحق	● «حقیقت‌طلبی»: معلم باید از پرداختن به غیرحق دوری کند و در اعتلا و ابراز آن برای دیگران سعی داشته باشد.	۴	۶
	۱/۶	طلب علم نافع	● «طلب علم نافع»: معلم باید از خداوند خواستار آن باشد که از علم بدون نفع دور بماند، زیرا براساس نقل، این مورد از خواسته‌های پرتکرار پیامبر اکرم (ص) از خداوند بوده است. ^۱	۳	۵
	۱/۷	الرغبة	● «شوق به علم‌آموزی»: معلم باید رغبت به کسب دانش داشته باشد؛ رغبتی که برای او فضایل را محقق و منافع را پایدار سازد.	۲	۳
	۱/۸	المثابرة	● «تحمل سختی»: معلم اگر مریضی خفیف یا دردی اندک دارد، درس را ترک نکند و به قدر امکان در چنین شرایطی اشتغال به بحث داشته باشد.	۳	۳
	۱/۹	فراغ القلب	● «تمرکز»: معلم لازم است برای اندیشیدن، فراغت ذهنی برای خود ایجاد کند و در صورت امکان از امور غیرعلمی همانند امور دنیایی دوری کند.	۲	۳
	۱/۱۰	الصبر	● «صبوری در یادگیری»: معلم باید در راه علم‌آموزی، صبوری پیشه کند. ^۲	۱	۲
	۱/۱۱	موضع المناسب	● «در نظر گرفتن مکان مناسب»: معلم باید مکانی مناسب را برای کسب علم در نظر بگیرد.	۱	۲
	۱/۱۲	وقت المناسب	● «در نظر گرفتن زمان مناسب»: معلم باید زمانی مناسب برای کسب علم در نظر بگیرد.	۱	۲

۱. در بدنه مقاله، به مطالبی درباره این مؤلفه اشاره شده است. صلاحیت «دوری از نفع‌نبردن از علم» نیز به این کد مربوط است.

۲. البته این شاخصه، از ویژگیهای اصلی «آداب‌المعلم فی نفسه» است که بسامد قابل توجهی در آن حوزه را به خود اختصاص داده است.

جدول ۳. (ادامه)

آداب‌المعلم فی علمه											
حوزه	شماره	صلاحیت	توضیحات	تعداد منابع	تعداد کدها	نسبت به کل					
۲. صیانة العلم ^۱	۲/۱	العمل بالعلم	● «عمل به علم»: شخص عالم نمی‌شود، مگر آنکه به دانسته‌هایش عمل کند. از ویژگیهای معلم این است که علم و عمل او با هم مطابقت داشته باشند، چراکه روز قیامت یکی از چهار پرسش، پرسیدن دربارهٔ عمل به علم است.	۱۴	۱۴۶	۰/۴۴					
	۲/۲	نشرالعلم و عدم کتمان	● «نشر علم و کتمان نکردن آن»: زکات علم به نشر آن است و علمی که گفته نشود، همانند گنجی است که از آن انفاق نمی‌شود. نشر علم فريضه‌ای بر معلم است که در صورت ترک و منع آن از افراد شایسته دریافت علم، گناهی بر او نوشته می‌شود و ظلمی در حق آن افراد خواهد بود.	۱۷	۶۹	۰/۲۱					
	۲/۳	الکتابة	● «نگارش مطالب»: با نگارش علم، می‌توان آن را در بند کرد و به آن بقا بخشید. توصیه می‌شود که نکات نگارشی همچون شروع با نام خداوند، خوانابودن، درج مشخصات و جلوگیری از کژتابی رعایت شود.	۸	۴۲	۰/۱۳					
	۲/۴	آداب‌المجالسة	● «آداب همنشینی»: معلم باید با دانشمندان همنشین شود و به سخن آنها گوش فرا دهد. از منازعه با ایشان بپرهیزد و در هنگام سخن گفتن، با صوت آرام و با خضوع و وقار رفتار کند.	۸	۳۱	۰/۰۹					
	۲/۵	الإهتمام بالسند	● «توجه به سند مطالب»: معلم باید در نقل مطالب، به منبع آن توجه کند و شخصی که به سخن آن تکیه می‌کند، فردی قابل اعتماد باشد.	۷	۲۱	۰/۰۶					
	۲/۶	تعظیم‌العلم و اهله	● «بزرگداشت علم و اهل علم»: معلم باید از اموری که سبب کوچک‌شدن علم می‌شود، دوری کند. مثلاً، معلم نباید برای تعلیم به خانهٔ شاگرد برود، بلکه شاگرد باید نزد استاد برود.	۵	۱۱	۰/۰۳					
	۲/۷	الإهتمام فی النقل	● «دقت در نقل مطالب»: معلم باید علاوه بر اینکه دروغی را نقل نمی‌کند، مراقب باشد که سخن، کم یا زیاد نشود و به دقت همان‌طور که بیان شده است، به دیگران منتقل شود.	۳	۴	۰/۰۱					
	۲/۸	إعارة‌الکتاب	● «امانت‌دادن کتاب»: برخی در امانت‌دادن کتاب بخل می‌ورزند. این افراد مذمت شده و به عاریه‌دادن آن ترغیب شده‌اند.	۱	۲	۰/۰۱					
	۲/۹	تحقیر‌الجهل و اهله	● «کوچک‌شمردن جاهل و اهل آن»: معلم باید جاهل و اهل جهالت را کوچک شمرد. باوجوداین، جاهل را از خود دور نکند و به او تعلیم دهد.	۱	۲	۰/۰۱					

۱. شامل مجموعه اموری است که به حفظ و گسترش علم کمک می‌کند.

جدول ۳. (ادامه)

آداب المعلم فی علمه						
حوزه	شماره	صلاحیت	توضیحات	تعداد منابع	تعداد کدها	نسبت به کل
۲. رفع آفات العلم ^۱	۳/۱	الإجتنب عن القول بغير العلم	● «دوری از سخن بدون علم و آگاهی»: گفتن نمی‌دانم، نصف علم است. علمای حقیقی از سخن بدون اطلاع پرهیز دارند و در جایی که علم ندارد، به‌راحتی ابراز می‌کنند که نمی‌دانند یا خدا بهتر می‌داند (الله اعلم).	۱۱	۹۰	۰/۷۳
	۳/۲	الإجتنب عن عدم الانتفاع من العلم	● «دوری از نفع‌نبردن از علم»: از مهم‌ترین دشواریهای علمی که خداوند از آن سؤال کند، علمی است که نتوان از بهره‌ای برد.	۵	۱۵	۰/۱۲
	۳/۳	الرجوع عن الهفوة	● «بازگشت از خطا»: چنانچه اشتباهی از وی صورت پذیرد، نباید از پذیرش اشتباه سر باز زند و حقیقت را کتمان کند.	۵	۸	۰/۰۷
	۳/۴	الإجتنب من الشک	● «دوری از شک‌گرایی»: برطرف کردن تردیدها و شبهه‌ها از خود و تقویت یقین جایگاهی مهم دارد و یقین یکی از مهم‌ترین داراییهای دین محسوب می‌شود.	۵	۵	۰/۰۴
	۳/۵	الإجتنب عن الجدل	● «دوری از جدل»: شخصی که جاهل باشد، به جدل، بی‌ادبی و بلندکردن صدا روی می‌آورد.	۴	۴	۰/۰۳
	۳/۶	الإجتنب عن نفی الوعظ	● «دوری از انتقادناپذیری»: علمای ناشایست، در هنگامی که دیگران نصیحتی به آنها می‌کنند، با درشتی رفتار می‌کنند و در زمان نصیحت‌کردن دیگران نیز، با خشونت به این کار مبادرت می‌ورزند.	۱	۱	۰/۰۱
آداب المعلم فی تعلیمه						
۱. تنظیم التعلیم ^۲	۱/۱	رعاية الحدّ	● «اندازه‌نگه‌داشتن»: معلم باید توان علمی و جسمی شاگرد را در نظر بگیرد و در تأدیب، از حدود شرعی و عرفی عبور نکند.	۲۵	۱۰۱	۰/۵۹
	۱/۲	حفظ النشاط	● «ایجاد و حفظ علاقه و نشاط در شاگرد»: معلم باید با طولانی‌نکردن کلاس، تقسیم‌بندی درسی و تفکیک آن، تشویق به اشتغال تمام‌وقت شاگرد به تحصیل و دیگر امور، در حفظ علاقه و نشاط آنها بکوشد.	۸	۳۱	۰/۱۸
	۱/۳	التقديم	● «اولویت‌بندی»: اگر بناست معلم چند ماده درسی را تدریس کند، آن را که شریف‌تر و مهم‌تر است، مقدم کند. همچنین در صورت حضور شخص اعلم، درس را به او واگذار کند.	۴	۱۸	۰/۱۰

۱. شامل مجموعه اموری است که دوری از آنها، سبب از میان رفتن آفات علم می‌شود.

۲. شامل مجموعه اموری است که قواعد اصلی و نکات اساسی علم‌آموزی در آن بیان می‌شود.

جدول ۳. (ادامه)

آداب المعلم فی تعلیمه						
حوزه	شماره	صلاحیت	توضیحات	تعداد منابع	تعداد کدها	نسبت به کل
۲. تصحیح النیة والهیة ^۱	۱/۴	العدالة	● «عدالت»: معلم باید میان شاگردانش تفاوت قائل نشود و در امور علمی، همه شاگردان نزد او مساوی باشند.	۶	۹	۰/۰۵
	۱/۵	التدرج	● «تدریج»: توانایی و استعداد شاگردان متفاوت است. برای حسن تعامل با آنها، معلم باید موضوعات را گام به گام به ایشان درس دهد. آموزش آداب نیز باید به صورت تدریجی صورت پذیرد.	۴	۷	۰/۰۴
	۱/۶	التکرار	● «تکرار»: معلم باید برای افزایش محفوظات شاگردان و جلوگیری از فراموشی، مطالب را تکرار کند.	۴	۶	۰/۰۳
	۲/۱	تصحیح مظهر الجسم	● «تصحیح ظاهر بدن»: معلم باید به نظافت شخصی از جمله مسواک زدن، مرتب کردن سر، سیما و لباسهایش توجه کند و عطردزدن را نیز فراموش نکند.	۱۰	۹۳	۰/۲۹
	۲/۲	الإجتناب عن الریاء	● «دوری از ریا»: حب دنیا و ثنا و شرافت و منزلت نزد اهل دنیا، از لغزشگاههای اوست، معلم در صورتی می تواند موفق باشد که از ریا دوری کند.	۱۲	۷۱	۰/۲۲
	۲/۳	النیة الصالحة	● «نیت صالح»: معلم باید نیتش را تصحیح کند و آن را برای ارشاد و اصلاح دیگران به کار گیرد. اخلاص داشتن برای خدا، ادراک را از جانب خداوند به ارمغان می آورد.	۱۹	۶۰	۰/۱۹
۳. حول التعلیم ^۲	۲/۴	الجلوس	● «ادب نشستن»: معلم باید با تواضع و خشوع، آرامش و وقار، رو به قبله و با هیبت بر صدر مجلس بنشیند.	۱۰	۵۵	۰/۱۷
	۲/۵	التکلم	● «ادب سخن گفتن»: معلم باید در صورت عدم کثرت جمعیت، با صوت آرام سخن بگوید. از سرعت بالا در گفتار پرهیزد و میان کلام توقف داشته باشد.	۱۱	۴۰	۰/۱۳
	۳/۱	خاتمة التعلیم	● «هنگام پایان درس»: معلم باید درس را با بیان حکم و مواعظ، قرآن یا دعا به پایان برساند، سپس زمانی را برای پاسخ دادن به پرسشهای شاگردان در کلاس بماند.	۱۱	۲۲	۰/۴۲
	۳/۲	بداية التعلیم	● «هنگام شروع درس»: معلم باید درس را با یاد خدا، حمد بر رسول خدا (ص)، قرآن یا دعا شروع کند.	۱۱	۲۱	۰/۴۰
	۳/۳	إذا عزم علی التعلیم	● «هنگام اراده بر شروع درس»: زمان کلاس را به شاگردان اعلام کند و درباره آن خلف وعده نکند و هنگام اراده بر کلاس، دعاکردن را فراموش نکند.	۷	۱۰	۰/۱۹

۱. شامل مجموعه اموری است که به اصلاح نیت و هیئت ظاهری بدن مربوط می شود.

۲. شامل مجموعه اموری است که به پیش از شروع درس، هنگام شروع و هنگام پایان تعلیم مربوط می شود.

جدول ۳. (ادامه)

آداب المعلم فی تعلیمه					
حوزه	شماره	صلاحیت	توضیحات	تعداد منابع	تعداد کدها
۴. حین التعلیم	۴/۱	التوضیح	«تبیین و توضیح درس»: اگر به چند روش می‌توان مطلب را بیان کرد، معلم باید به آسان‌ترین راه درس بدهد و در صورت لزوم، مطالب را چند مرتبه تکرار کند.	۱۳	۳۱
	۴/۲	الإهتمام بوضع التعلیم	«توجه به حالت تدریس»: معلم باید در تدریس به همه شاگردانش نگاه کند و در ایجاد در تمرکز آنها بکوشد.	۱۰	۲۶
	۴/۳	الإهتمام بمحتوی التعلیم	«توجه به محتوای آموزشی»: معلم باید بهترین محتوا را برای شاگردان برگزیند. مطالبی مانند بیان قواعد کلی و اصلی، آموزش مسائل دقیق و دشوار، دوری از آموزش علوم باطل و روی آوردن به آموزش خیر و صلاح.	۸	۲۱
	۴/۴	السؤال	«پرسشهای کلاسی»: معلم باید درسهای گذشته را از شاگردان بپرسد و جوابی حال افرادی باشد که غایب‌اند.	۵	۱۷
	۴/۵	الإهتمام بوقت و مکان التعلیم	«توجه به زمان و مکان تدریس»: کلاس باید به دور از آلاینده‌های هوا و دارای دما و مساحت مناسب باشد.	۶	۱۴
	۴/۶	المراعاة	«رعایت امور تعلیمی»: معلم باید هنگام نقل و نقد مطالب محترمانه برخورد کند. از افراد جاهل دوری و مراعات حال افراد مسن را بکند.	۱۰	۱۴
	۴/۷	نصب النقیب	«تعیین مسئول کلاسی»: معلم باید برای کلاس، ارشد علمی (معلم‌یار) و ارشد اجرایی (مبصر) تعیین کند.	۱	۱۳
آداب المعلم مع متعلمه					
۱. توقیر المتعلم ^۱	۱/۱	الإعتناء بمصالحه	«توجه به مصالح شاگرد»: معلم باید همانند توجه به مصالح خود و فرزندش، به مصالح شاگردش نیز توجه کند. رعایت مصالح جمع نیز از دیگر اموری است که باید رعایت کند.	۶	۶
	۱/۲	عدم إستصغار المتعلم	«عدم تحقیر متعلم»: معلم باید از کوچک شمردن، تمسخر و تحقیر شاگردان (شخصیت، سواد، خانواده، شکل ظاهری و ...) دوری کند.	۳	۳
	۱/۳	أن یستعلم أسماء طلبته	«یادگرفتن نام شاگرد»: معلم باید تلاش کند تا نام شاگردانش را بیاموزد.	۳	۳
	۱/۴	عدم العسف والقهر	«عدم زورگویی»: معلم نباید نسبت به شاگردان زورگویی کند، زیرا سبب ذلیل شدن آنان خواهد شد.	۱	۲
	۱/۵	عدم التعنیف	«عدم ملامت»: معلم نباید شاگردان کلاس (به ویژه شاگردان با سابقه) را با تندوی و درشتی (با خطاب و عتاب شدید) سرزنش کند.	۱	۲

۱. شامل مجموعه اموری است که به هنگام تعلیم مربوط می‌شود.

۲. شامل مجموعه اموری است که به بزرگداشت شاگرد مربوط می‌شود.

جدول ۳. (ادامه)

آداب المعلم مع متعلمه					
حوزه	شماره	صلاحیت	توضیحات	تعداد منابع	تعداد کدها
۲. فی التعامل مع المتعلم ^۱	۲/۱	یحب للطالب من یحب لنفسه	● «آنچه بر خود می‌پسندد، بر او نیز بیسندد»: معلم باید از این قاعده پیروی کند که آنچه برای خود دوست می‌دارد، برای شاگرد خود نیز دوست داشته باشد.	۵	۱۶
	۲/۲	آداب إذا تکمل الطالب	● «آداب هنگام فارغ التحصیلی شاگرد»: معلم باید هنگام فارغ التحصیلی، دانش آموز را در میان جمع مدح کند و برای او موقعیت تدریس فراهم آورد.	۱	۳
	۲/۳	عدم سوء الخلق	● «بدرفتاری نکردن»: معلم باید حقوق شاگرد را رعایت کند، به ویژه در تنبیه کردن و دادن تکالیف.	۲	۲
	۲/۴	عدم الذهاب إلى منزل المعلم إعزازاً لنفسه	● «رفتن به خانه شاگرد (به جهت بزرگداشت علم)»: معلم نباید برای تدریس به خانه شاگرد خود برود، بلکه شاگرد باید به نزد او برود.	۳	۱
	۲/۵	أن یفتح التدریس للطالب الذی قاصر المرتبة	● «نبی از تدریس شاگرد ناشایست»: اگر شاگردی، با سواد اندک به تدریس مشغول شده است، معلم باید او را مذمت کند.	۱	۱
۳. نفع المتعلم ^۲	۳/۱	النبی عن أمور التی غیر جدیر فی الدرس	● «نبی از امور ناشایست در کلاس»: معلم باید با مهربانی، کسی را که وقار ندارد، بی ادبی می‌کند، با افراد نالایق معاشرت می‌کند و امور ناشایست را مرتکب می‌شود، نبی کند.	۴	۲۸
	۳/۲	الدعوة للتدین	● «دعوت به دین داری»: معلم باید شاگردان خود را به دینداری، توجه به خدا، اخلاص و تقوا دعوت کند.	۴	۱۹
	۳/۳	الدعوة للخیر	● «دعوت به نیکی و خوبی»: معلم باید شاگردان را به انجام دادن کارهای نیک مانند اصلاحگری، مطابقت کردار با گفتار، تربیت کردن نفس، اعتدال، حسن نیت و صداقت دعوت کند.	۵	۱۸
	۳/۴	أن یرغبه فی العلم	● «ترغیب به علم آموزی»: معلم باید با ذکر فضایل علم و علما و دیگر امور نیک، شاگردان خود را به علم دعوت کند. همچنین ایشان را به مباحثه و حفظ کردن علم تشویق کند.	۴	۱۴

۱. شامل مجموعه اموری است که به نکات تعامل با شاگرد مربوط می‌شود.

۲. شامل مجموعه اموری است که به نصیحت کردن شاگرد مربوط می‌شود.

جدول ۳. (ادامه)

آداب المعلم مع متعلّمه					
حوزه	شماره	صلاحیت	توضیحات	تعداد منابع	تعداد کدها
	۳/۵	الزهد عن الدنيا	• «بی‌رغبتی نسبت به دنیا»: معلم باید شاگردانش نصیحت را کند که نسبت به دنیا بی‌اعتنا و زاهد باشند.	۵	۵
	۳/۶	التدرّج فی الموعظة الحسنه	• «نصیحت به تدریج و آرامی»: معلم باید در صورت آگاهی از مبتلا شدن شاگردش به فساد یا رغبت به فساد، به تدریج به او یاری رساند و از خطرهای آن کار مطلع سازد.	۳	۳
	۳/۷	الإجتنب عن البدع	• «دوری از بدعتها»: معلم باید به شاگردانش توصیه کند که از بدعتها دوری کنند.	۱	۳
	۳/۸	تفرّغ للعلم	• «ایجاد فراغت برای کسب علم»: علم برای کسی است که زندگی خود را وقف کسب دانش کند.	۲	۲
	۳/۹	الإجتنب عن الجهال	• «دوری از جهال»: معلم باید به شاگردش بگوید که از افراد نادان دوری کند [او ایشان را دوست خود بگیرد؛ بلکه با دانا‌یان معاشرت کند].	۲	۲
	۳/۱۰	الإجتنب عن الدنيا	• «دوری از دنیا طلبی»: معلم باید به شاگردش گوشزد کند که از دنیا [طلبی] اجتناب بورزد.	۲	۲
آداب المعلم فی نفسه					
۱. التخلق بالأخلاق الحسنه ^۱	۱/۱	التواضع (و عدم الکبر)	• «تواضع (و دوری از کبر)»: همان‌طور که در زمین نرم، گیاه رشد می‌کند نه سنگلاخ، حکمت نیز با تواضع دانشمندان افزون می‌گردد. خداوند عالم متواضع را دوست دارد و به او حکمت عطا می‌کند.	۱۴	۴۵
	۱/۲	الشفقة	• «مهربانی»: معلم باید با شاگردانش، همچون فرزندان مهربان باشد و در ابراز محبت خود تبعیض قائل نشود.	۱۲	۲۸
	۱/۳	الصبر	• «صبر»: شکیبایی بهترین زینت علم است و یکی از نشانه‌های [ظاهری] عالم است.	۱۲	۲۵
	۱/۴	صيانة النفس	• «مراقبت از نفس»: اگر عالمی دچار نقصان نفس شود، امکان آن است که عده‌ای کثیر دچار گمراهی شوند. او مثل کشتی است. هنگامی که معیوب شود، مردم زیادی با او غرق خواهند شد.	۵	۱۵
	۱/۵	الزهد	• «بی‌رغبتی نسبت به دنیا»: مراقب باشید با ازدیاد علم و شهرت میل به دنیا در دلش زیاد نشود؛ شوقی که می‌تواند او را از خداوند دور سازد.	۴	۱۳

۱. شامل مجموعه اخلاقی است که شایسته است معلم به آنها آراسته باشد.

جدول ۳. (ادامه)

آداب المعلم فی نفسه					
حوزه	شماره	صلاحیت	توضیحات	تعداد منابع	تعداد کدها
۲. التطهیر عن الأخلاق السيئة ^۱	۲/۱	الحسد	● «دوری از حسد»: عالم [حقیقی] حسادت نمی‌کند.	۸	۱۴
	۲/۲	الطمع	● «دوری از طمع»: آنچه علم را از سینهٔ عالم بیرون می‌کند، طمع است. برای هر چیز، علتی زشتی‌زا وجود دارد و برای عالم، طمع همان عامل زشتی‌زا و ناپسندساز است.	۷	۱۴
	۲/۳	حب الدنيا	● «دوری از حب دنیا»: کمترین چیزی که از عالم دنیا دوست گرفته می‌شود، شیرینی مناجات با پروردگار است. چنین عالمی، دیدگاه‌هایش (فتوا) بدون بصیرت و تصمیماتش (قضاویش) بدون معرفت است.	۸	۱۱
	۲/۴	الشهرة والتعريف	● «دوری از شهرت و شناخته‌شدن»: گزارش‌های بسیار دربارهٔ صحابه و دوری‌جستن آنها از شهرت منعکس شده است.	۱	۹
	۲/۵	إتباع الهوى	● «دوری از هوای نفس»: تبعیت از هوای نفس، معلم را از حق و حقیقت دور می‌سازد. بنابراین دوری از هوای نفس از ویژگی‌های معلم شمرده شده است.	۵	۷
۳. إتباع السنة ^۲	۳/۱	قراءة القرآن و الدعاء	● «قرآن‌خواندن و دعاکردن»: سوره‌ها و دعاهای بسیار برای مطالعهٔ معلم گزارش و پیشنهاد شده است.	۸	۳۹
	۳/۲	الخوف والرجاء من الله	● «ایم و امید از خدا»: عالم کسی است که از خدا خوف و رجا دارد و شاگردانش را نیز از رحمت خدا ناامید نمی‌سازد و ایشان را به انجام دادن گناهان رخصت نمی‌دهد.	۵	۱۶
	۳/۳	الطهارة	● «طهارت»: معلم باید از نظر ظاهر و باطنی پاکیزه داشته باشد؛ یعنی ظاهری نظیف و باطنی همراه با غسل یا وضو داشته باشد.	۹	۱۶
	۳/۴	الإجتنب من الفساد والذنوب	● «دوری از فساد و گناه»: معلم باید از گناهان اجتناب ورزد تا علمش پایدار بماند.	۸	۱۵
۴. آداب العالم لدى السلطان ^۳	۴/۱	الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر	● «امر به معروف و نهی از منکر»: معلم باید شاگردش را به تبعیت از حق و دین دعوت و از رذایل اخلاقی و ارتکاب محرمات الهی نهی کند.	۱	۲
	۴/۲	الاستدعاء من جانب السلطان	● «ابتدا سلطان طلب علم کند، سپس افاضهٔ علم نماید»: تعلیم سلطان در ابتدا شایسته نیست؛ مگر آنکه ابتدا سلطان این امر را درخواست کند.	۱	۱

۱. شامل مجموعه اخلاقی است که شایسته است معلم از آنها دور باشد.

۲. شامل مجموعه اموری راجع به تبعیت معلم از آداب دینی است.

۳. شامل مجموعه اموری در باب رابطهٔ معلم و پادشاه است.

جدول ۳. (ادامه)

آداب المعلم فی نفسه						
حوزه	شماره	صلاحیت	توضیحات	تعداد منابع	تعداد کدها	نسبت به کل
	۴/۳	الملاطفة فی التأدیب	• «نرمی در تربیت»: تربیت سلطان را با نرمی همراه سازد.	۱	۱	۰/۰۶
	۴/۴	الإنصاف فی التعلیم	• «انصاف در تعلیم»: معلم باید جانب انصاف را در تعلیم رعایت کند.	۱	۱	۰/۰۶
	۴/۵	الإیجاز مع مراعاة الدقة	• «خلاصه‌گویی در نهایت اتقان»: معلم باید با رعایت اتقان در سخن، کوتاه‌گویی را بر طولانی سخن گفتن ترجیح دهد.	۱	۱	۰/۰۶
۵. آداب العالم لدی الناس	۵/۱	التلطف	• «نرم‌خویی»: معلم باید با مردم مدارا کند و نرم‌خویی و نرم‌زبانی را پیشه سازد.	۹	۱۶	۰/۱۷
	۵/۲	السعی فی قضاء الحاجات	• «خدمت به مردم»: معلم کسی است که وظیفه دارد در خدمت خلق باشد و تلاش کند که در راه مصلحت مردم گام بردارد.	۵	۹	۰/۰۹
	۵/۳	إخمال البدع	• «مبارزه با بدعتها»: اگر در جامعه، بدعتی ایجاد شود و عالم واکنشی نشان ندهد، دچار نفرین خدا (لعنت خدا) خواهد شد.	۵	۹	۰/۰۶
	۵/۴	الإجتنب من حبّ المدح	• «دوری از حب تمجید»: معلم باید از لذت تعریف و تمجید برای کاری که کرده یا نکرده است، دوری بورزد.	۵	۵	۰/۰۵

جمع‌بندی

بر پایه مطالعه فراترکیب، نخست قلمرو مفهومی پی‌ریزی شد و پس از آن، کتابهایی که شرایط سه‌گانه این پژوهش را داشتند، شناسایی شدند. با کمک کدگذاری روی نرم‌افزار تحلیل کیفی MAXQDA، ۲۳۱۳ کد روی ۳۰ منبع قرار گرفت تا با آگاهی کافی از منابع، الگوی صلاحیتها و ویژگیهای معلم طراحی شود. از دغدغه‌های این پژوهش، محفوظ‌ماندن اصالت متون است که تلاش شده است با انعکاس واژگان اصیل در الگو و بدون پیش‌فرضهای پژوهشگر این مهم محقق شود. به علاوه در مرحله ایجاد الگو، با نگاهی به برخی از الگوهای موجود در منابع، یکپارچه‌سازی و انسجام‌بخشی به آنها، کوشش شد تا الگویی برآمده از دل متون طراحی شود. برای نمونه غزّی (۹۸۴ق) و شهید ثانی (۹۶۶ق)، آداب معلم را در سه بخش تقسیم‌بندی کرده‌اند: آداب معلم در ارتباط با خود، در ارتباط با جلسه درس و در ارتباط

۱. شامل مجموعه اموری در باب رابطه معلم و مردم است.

با شاگردان. به این ترتیب براساس رهیافتهای اندیشمندان گذشته و فراترکیب متون اسلامی، ویژگیهای معلم را برای نخستین بار در چهار ساحت اصلی تفکیک کردیم: آداب معلم «فی علمه» (در ارتباط با علم)، «فی تعلیمه» (در ارتباط با آموزش)، «مع متعلمه» (در ارتباط با شاگردان) و «فی نفسه» (در ارتباط با خود). همچنین، ذیل هر ساحت اصلی، حوزه‌ها و عناوینی ذکر شده‌اند که هر کدام شامل صفات و صلاحیتهای خاصی از معلم است.

با نگاهی به ساحت «فی علمه»، سه حوزه «تحصیل علم»، «صیانت از علم» و «برطرف کردن آفات علم» پدیدار شده که رسالت اصلی معلم در پاسداری از قلمرو علم آموزی و دانش افزایی است. نگاهی بر تحلیل متون بررسی شده و رویکرد نگارندگانی که نگاهی ویژه به این بخش داشته‌اند، این نظر مشهود است که اندیشه غالب ساحت یادشده، در چارچوب تأکید بر عالم عامل (به تعبیری، اتحاد عالم و علم)، امری محوری تلقی شده است. از این روست که معلم عامل (در نگاه تربیتی)، خود عهده‌دار تربیت خویش برای پاسداری، پیراستگی و پویایی دانش است.

در ساحت «فی تعلیمه»، می‌توان به چهار حوزه «قواعد تدریس»، «اصلاح نیت باطنی و هئیت ظاهری» و «نکاتی در پیرامون و هنگام تدریس» اشاره کرد. با نگاهی بر تحلیل متون بررسی شده نشان می‌دهد که نگارندگان، به مقوله آمیختگی (امتزاج) تعلیم و تعلم نگاهی ویژه داشته‌اند. به نظر می‌رسد که در این فرض این دو مقوله هم‌وزن و قرین هم دانسته شده‌اند، چنان که دوری از هر یک بدون دیگری، دشوار و غیرممکن می‌نماید.

در ساحت «مع متعلمه»، «بزرگداشت شاگرد»، «تعامل صحیح با وی» و «پندآموزی به او» سه حوزه این بخش برشمرده می‌شود. نگاهی بر تحلیل متون بررسی شده نشان می‌دهد که نگارندگان نگاهی ویژه به این بخش داشته‌اند و این نظر مطرح است که در این ساحت، اتحاد میان تعلیم و ادب‌ورزی (تأدیب) است. به نظر می‌رسد که در این فرض، این دو مقوله نیز هم‌وزن و قرین هم قلمداد شده‌اند. به عبارت دیگر، شایسته است که تعلیم معلم تأدیبی و تأدیب متعلم تعلیمی باشد.

در پایان، ویژگیهای معلم در ساحت «فی نفسه» دارای اهمیت خاص است که طیفی وسیع از «فضایل اخلاقی»، «ترک رذایل اخلاقی»، «دینداری» و «آداب در باب معاشرت با سلطان و مردم» را دربرمی‌گیرد که نگاهی تحلیلی به آن، از فرصت این مقاله خارج است و باید در جایی دیگر به آن پرداخته شود. تنها به اختصار اشاره شود که یکی از مقوله‌های محوری این ساحت، «مسئولیت‌پذیری» فردی و اجتماعی معلم در ابعاد مختلف آن برای اندیشمندان فریضه و شایستگی قلمداد شده است.

در مقام تبیین و تحلیل الگوی ارائه شده (المفید) به صورت تطبیقی، نیاز است که این الگو در چهار ساحت و بعد کلی مطرح شود: بعد دانشی، بعد آموزشی، بعد تربیتی و دست‌آخر توسعه فردی. با نگاهی به الگوهای شرق و غرب جهان و در مکاتب گوناگون پرداختن به سه حوزه دانشی، آموزشی و توسعه فردی به وفور یافت می‌شود، اما آنچه کاوش تاریخی این نگارش به آن دست یافت، نگاه

ویژه اندیشمندان مسلمان به بعد تربیتی است. امری که امروزه شرق و غرب به ضعف نظام جهانی تعلیم و تربیت در این حوزه معترف‌اند. همچنین نگاهی ژرف به آرای اندیشمندان مسلمان، پرده از نکته‌ای بی‌بدیل بر می‌دارد که تاکنون به آن کمتر پرداخته شده است و آن نگاه چندبعدی و پیچیده اندیشمندان قدیم به حوزه معلمی به مثابه آداب مشترک تعامل میان آموزنده و آموزگار است. به عبارت دیگر نگاهی به مقوله معلمی در اندیشه اسلامی نگاهی یکپارچه به چهار حوزه محوری اشتراکات: معلم - معلم، معلم - متعلم، معلم - جامعه و همچنین دایره معلم - حاکمیت است.

الگوی «المفید» در پی آن برآمده است که به میراث دین مبین اسلام در زمینه تربیت معلم نگاهی دوباره داشته باشیم. در این رویکرد شایسته است که عالمان و معلمان، مهارت‌های تحولی و متعالی در بستر علم و حیانی و معارف اسلامی را به مثابه یک رسالت دانسته، آرای اندیشمندان این حوزه را بازخوانی کرده و مسئولیت یادگیری حرفه‌ای خویش و بالندگی معنوی و خداپاورانه را پیگیری کنند. شایان توجه است که آموزه‌های الگوی فقهی - تربیتی صلاحیت حرفه‌ای معلمان (المفید)، بستری مناسب پدید آورده است تا در سه حوزه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری آموزشی، توسعه برنامه درسی تربیت معلم و سازکارهای سنجش کیفیت و ارزیابی تربیت معلم مورد توجه و استفاده قرار گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- أجرى بغدادى، محمد بن حسين. (١٤٢٨). أخلاق العلماء. رياض: أضواء السلف.
- ابن جماعه، محمد بن ابراهيم. (٢٠١٢). تذكرة السامع والمتكلم فى أدب العالم والمتعلم. (محمد مهدي عجمي، محقق). بيروت: دار البشائر الإسلامية.
- ابن خلكان، احمد بن محمد. (بى تا). وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان. بيروت: دار صادر.
- ابن دقيق، محمد بن علي. (بى تا). الإقتراح فى بيان الإصطلاح. بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابن سحنون، محمد. (١٩٨١). آداب المعلمين. الجزائر: الشركة الوطنية.
- ابن شهيد ثاني، حسن بن زين الدين. (١٤١٣). معالم الدين وملاذ المجتهدين. (محمد سلطان العلماء، محقق). بيروت: دار الفكر العربي.
- ابن صلاح، عثمان بن عبد الرحمن. (بى تا). مقدمة ابن الصلاح فى علوم الحديث. بيروت - دمشق: دار الفكر.
- ابن عبد البر، يوسف بن عبد الله. (١٩٩٤). جامع بيان العلم وفضله. (ابوالاشبال زهيرى، مصحح). دمام: دار الفكر.
- ابن ماجه، محمد بن يزيد. (بى تا). سنن ابن ماجه. (محمد فؤاد عبد الباقي، محقق). القاهرة: دار إحياء الكتب العربية.
- الكلياتي، ماجد عرسان. (١٤٠٧). فلسفة التربية الإسلامية. مكة: دار المنارة.
- بخارى، محمد بن اسماعيل. (١٤٢٣). صحيح البخارى. دمشق - بيروت: دار ابن كثير.
- بيهقي، احمد بن حسين. (بى تا). المدخل إلى السنن الكبرى. (محمد ضياء الرحمن اعظمي، محقق). الكويت: دار الخلفاء.
- جأظ، عمرو بن بحر. (٢٠٠٢). رسائل الجأظ؛ الرسائل الأدبية. بيروت: دار و مكتبة الهلال.
- جصاص، احمد بن علي. (١٤١٥). أحكام القرآن. بيروت: دار الكتب العلمية.
- خطيب بغدادى، احمد بن علي. (١٤٠٣). الجامع لأخلاق الراوى وأدب السامع. رياض: دار المعارف.
- خطيب بغدادى، احمد بن علي. (١٤٠٤). إقتضاء العلم والعمل. بيروت - دمشق: المكتب الإسلامي.
- خطيب بغدادى، احمد بن علي. (١٢٤١). الفقيه والمتفقه. عربستان: دار ابن الجوزى.
- دارمى، عبد الله بن عبد الرحمن. (١٤٣٤). المسند الجامع (سنن الدارمى). (نبيل بن هاشم غمرى، محقق). بيروت: دار البشائر الإسلامية.
- رامهرمزي، حسن بن عبد الرحمن. (١٤٠٤). المَحَدِّثُ الفاضل بين الراوى والواعى. بيروت: دار الفكر.
- سحاوى، محمد بن عبد الرحمن. (١٤٢٤). فتح المغيـث بشرح ألفية الحديث للعراقى. (علي حسين علي، محقق). مصر: مكتبة السنة.
- سمعانى، عبد الكريم بن محمد. (١٤٠٩). أدب الإمامة والاستملاء. بيروت: دار و مكتبة الهلال.
- سيوطى، عبد الرحمن بن أبى بكر. (١٤١٥). تدريب الراوى فى شرح تقريب النواوى. بيروت: مكتبة الكوثر.
- شمس الدين أملى، محمد بن محمود. (١٣٨١). نفائس الفنون فى عرائس العيون. تهران: اسلاميه.
- شمس الدين، عبد الأمير. (١٤٠٤). الفكر التربوى عند ابن خلدون وابن الأرزق. بيروت: دار إقرأ.
- شهرستانى، محمد بن عبد الكريم. (بى تا). الملل والنحل. الحلبي: مراکش.
- شهيد ثاني، زين الدين بن علي. (١٣٠١). منية المريد فى أدب المفيد والمستفيد. (علي محلاتى، محقق). بمبئي: الحسنى.
- طبرانى، سليمان بن احمد. (١٤١٥). المعجم الكبير. القاهرة: مكتبة ابن تيمية.
- طياى، سليمان بن داود. (١٤١٩). مسند أبى داود الطيالسى. مصر: دار هجر.
- عراقى، عبد الرحيم. (١٤٢٣). شرح التبصرة والتذكرة. (عبد اللطيف هميم و ماهر ياسين فحل، محققين). بيروت: دار الكتب العلمية.
- عسكرى، حسن بن عبد الله. (١٤٠٠). الفروق فى اللغة. بيروت: دار الآفاق الجديدة.
- علموى، عبد الباسط بن موسى. (١٣٩٩). المعيد فى أدب المفيد والمستفيد. دمشق: المكتبة العربية.
- غزالى، محمد بن محمد. (بى تا). إحياء علوم الدين. بيروت: دار الكتاب العربى.

غزی، محمد بن محمد. (۱۴۳۰). *الدّر النضید فی أدب المفید والمستفید*. حیزه: مکتبه التوعیه الإسلامیه. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹). *کتاب العین*. قم: هجرت.

فیض کاشانی، محمد. (۱۴۱۸). *النخبه فی الحکمه العمليه والأحكام الشرعیه*. (مهدی انصاری قمی، محقق). تهران: منظمه الإعلام الإسلامی.

قابسی، ابوالحسن علی. (۱۹۸۶). *الرساله المفصّله لأحوال المتعلمین وأحكام المعلمین والمتعلمین*. تونس: الشركة التونسیه. کاشف الغطاء، علی بن محمدرضا. (۱۳۸۱). *النور الساطع فی الفقه النافع*. نجف: مطبعه الآداب.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۷). *الکافی* (محمد آخوندی و علی اکبر غفاری، مصحح). تهران: دارالکتب الإسلامیه. ماوردی، علی بن محمد. (۱۴۳۴). *أدب الدین و الدنیا*. جده: دارالمنهاج.

مجلسی، محمد تقی. (۱۳۷۲). *لوامع صاحبقرانی المشتهر به شرح الفقیه*. قم المقدسه: اسماعیلیان. مجمع عالی تشخیص مصلحت نظام. (۱۳۹۲). *سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش*. تهران: مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). *تعلیم و تربیت در اسلام*. تهران: صدرا.

نووی، محمود بن شرف. (بی تا). *المجموع فی شرح المذهب*. بیروت: دارالفکر.

- Danielson, C., & McGreal, T. L. (2000). *Teacher evaluation to enhance professional practice*. ASCD.
- Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative Health Research*, 15(9), 1277-1288. doi:10.1177/1049732305276687
- International Labour Organization & UNESCO. (2015). *Final Report of the Twelfth Session of CEART*. Paris. Available at: https://www.ilo.org/sites/default/files/wcmsp5/groups/public/%40ed_dialogue/%40sector/documents/meetingdocument/wcms_399569.pdf
- Savin-Baden, M., & Major, C. H. (2010). *New approaches to qualitative research: Wisdom & Uncertainty*. London and New York: Routledge.
- Schreiber, R., Crooks, D., & Stern, P. N. (1997). Qualitative meta-analysis. In J. M. Morse (Ed.), *Completing a qualitative project: Details and dialogue* (pp. 311-326). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Shinkfield, A. J., & Stufflebeam, D. L. (2012). *Teacher evaluation: Guide to effective practice*. London: Springer.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Teachers' Professional Competencies Derived from Islamic Writings

S. Askari Matin, Ph.D.^{1*} © R. Montazeri Moghaddam²

Abstract

In order to identify the professional competencies as referred to in a selected set of 30 top Islamic writings, written over a period of one thousand years, their content was analyzed and a total of 2448 indicators were derived and then classified into 4 areas, 15 main categories, and 91 indices of competency. The four areas cover teaching manners in relation to the knowledge network, the instructional framework, the students' interactions, and personal development. This set of areas, categories, and indices can be looked upon as a comprehensive model for teacher training programs within the value system of Islam and also as an original and practical guide for teachers who want to be both knowledge and effective agents.

Keywords: professional competencies, meta-synthesis, religious model, Almofeed Model

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Date Received: July 18, 2022

Date Accepted: Jan. 11, 2023

1. Assistant Professor, Department of Humanities, Farhangian University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

E-mail: matin@cfu.ac.ir

2. Level four Talabeh, Instructor at the Qom Howzeh, Qom, Iran.